

شکجه گر وزارت اطلاعات، کیهان و معنای مباحثه در رژیم ولایت فقیه

اهانت و فحاشی قرار می دهد ... معمولاً وقتی آدم ها برای اهداف کیهان خطرناک می شوند، سهمیه فحاشی پیدا می کنند ..."

صرف نظر از واقعیتِ مطلب در خصوص کیهان و نقش این روزنامه متعلق به ولی فقیه در تخریب دگراندیشان و دست اندرکاران فعالیت های فرهنگی و مطبوعاتی و ارتباط مستحکم آن با محافل پرنفوذ امنیتی رژیم، معلوم نیست چرا و به

ادامه در صفحه ۳

یکی از موضوعات بحث برانگیز هفته های اخیر جدال میان مهدی کروبی و روزنامه کیهان حسین شریعتمداری است. محمد علی ابطحی در "وب لاگ" ۱۲ اردیبهشت ماه خود، در مطلبی با عنوان: "کروبی به نمایندگی از اهالی فرهنگ و سیاست در برابر کیهان"، با بزرگنمایی کروبی، از جمله می نویسد: "در طول این سال ها کیهان در حقیقت نقش کسی را داشته که وسط چهارراه شهر مطبوعات ایستاده است و هرکسی را که نمی پسندد مورد



شماره ۸۱۷، ۴ خرداد ۱۳۸۸

دوره هشتم، سال بیست و سوم

این هم نمونه دیگری از دغلکاری و تزویر دشمنان حزب در ص ۲

کودکان کار، قربانی برنامه های رژیم ولایت فقیه!

باگذشت یکسال پس از تهیه طرح ساماندهی کودکان خیابانی، و تبلیغات پرسروصدا پیرامون اقدامات دولت درخصوص حل این معضل اجتماعی، اخبار و گزارشات متعدد حاکی از آن است که ده ها هزار کودک خیابانی درسراسر کشور همچنان دروضعیتی ناگوار قرار دارند و رشد فزاینده فقر درجامعه به افزایش تعداد این کودکان معصوم وبی گناه انجامیده است. براساس آمار های سازمان یونسف و برخی نهادهای مستقل مردمی تعداد کودکان کار و خیابانی درسراسر ایران بالغ بر ۱/۵ میلیون نفر است و بسیاری از گزارشها نیز از افزایش نگران کننده ای آمار طی دو سال اخیر حکایت می کنند. درسال های اخیر رژیم ولایت فقیه و خصوصاً دولت ضد مردمی احمدی نژاد با تبلیغات بسیار از ارایه طرح هایی برای حل معضل کودکان کار سخن گفته اند. درواوخر بهمن ماه سال گذشته، خبرگزاری مهر اعلام داشت، ۲۰ میلیارد ریال برای ساماندهی کودکان خیابانی اختصاص یافته است، این خبرگزاری نوشت: "وزارت رفاه و تامین اجتماعی اعلام کرده از محل بند ب تبصره ۱۵، مبلغ ۲۰ میلیارد ریال اعتبار به سازمان بهزیستی کشور جهت سامان دهی کودکان خیابانی اختصاص یافت."

درادامه گزارش آمده است: "کودکان خیابانی به افراد زیر ۱۸ سال اعم از دختر و پسر اطلاق می شود که برای بقا خود مجبور به کار و زندگی درخیابان هستند، بنابراین جهت بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی، ارایه خدمات درزمینه های اجتماعی، آگاه سازی ا زمصرف مواد و بیماری های همچون هپاتیت و ایدز به منظور ارتقای سلامت جسمانی و درنهایت

ادامه در صفحه ۶

انتخابات صحنه مهم مبارزه سیاسی برای افشای رژیم ضد مردمی و بسیج نیروهای اجتماعی!

صندوق بسیار بوده است و ایشان تعداد صندوق ها را ۱۴۰۰۰ خوانده است." وی اضافه کرد: "اگر چنین خبری درست باشد، نشان دهنده و تاییدکننده دغدغه هایی است که نامزدهای این دوره ریاست جمهوری در رابطه با سرنوشت آرای مردم داشته اند و براساس همین نگرانی کمیته های صیانت از آرای مردم شکل گرفته است. اصلاً معقول نیست از ۴۶۰۰۰ صندوق، ۱۴۰۰۰ صندوق بسیار باشند و این مساله ای است که باید با آن به طور جدی برخورد شود."

این تلاش های خامنه ای و نزدیکان او برای تأثیر گذاری بر نتایج انتخابات آینده از این منظر نیز قابل توجه است که کارنامه سپاه و ضد مردمی دولت احمدی نژاد انچنان است که حتی طیف های گوناگون نیروهای "دوب در ولایت" بر سر توافق برای حمایت از احمدی نژاد به شدت دچار تفرقه و چند دستگی هستند. بر اساس گزارش اعتماد: "دیروز تمام تلاش عقلای جناح راست برای سرپوش گذاشتن بر اختلاف بر سر نام احمدی نژاد در مجلس بی نتیجه ماند و مخالفان و موافقان احمدی نژاد در برابر هم صف کشی کردند تا بار دیگر تندروی نمایندگان طیف رایجه خوش

ادامه در صفحه ۶

شکست برنامه های ارتجاع برای بر کماری مجدد نامزد "اصلاح" ولی فقیه وظیفه مهم نیروهای مترقی و آزادی خواه

با داغ تر شدن تنور مبارزه انتخاباتی، نیروهای ارتجاعی تهاجم سازمان یافته بی را برای تغییر نتیجه انتخابات آغاز کرده اند. خبرهای نگران کننده در مورد افزایش بی سابقه صندوق های سیار و گزارش های متعدد درباره آماده شدن سپاه، بسیج و نیروهای سرکوبگر، زیر نظر دفتر خامنه ای، برای مداخله وسیع در انتخابات و برگماری مجدد احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهوری "اصلاح" رژیم نمی تواند برای همه نیروهای آزادی خواه و ملی میهن ما نگران کننده نباشد. بر اساس گزارش رسانه های گروهی کامران دانشجو، رئیس ستاد انتخابات کشور، در مصاحبه مطبوعاتی روز یکشنبه از ده برابر شدن تعداد صندوق های سیار انتخابات ریاست جمهوری خبر داد. علی اکبر محتشمی پور، "رئیس کمیته صیانت از آرای مردمی ستاد مهندس موسوی" در این باره از جمله گفت: "من تصور می کنم آقای دانشجو اشتباه می کند و عدد و رقم را با یک صفر اضافه می خواند و ۱۴۰۰

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

این هم نمونه دیگری از دغلکاری و تزویر دشمنان حزب

WPB
Workers' Party of Belgium
 Department of International Relations

Brussels, 20/05/2009

Dear Comrades of the Tudeh Party of Iran,

I wish to apologize for having permitted the entrance to the International Communist Seminar of Brussels, May 15-17, to a group who claimed to be Tudeh.

We were very busy with the seminar – with much fewer forces than normally – due to two ongoing electoral campaigns (European Union and Regional) and many struggles here (consequence of the crisis). In that stress-situation and facing the strong insistence of that people, claiming to be Tudeh, we accepted finally that they could attend the seminar as audience, but not as participants – as we had not received any official confirmation of the Tudeh Party of Iran (what is the normal procedure we of course follow). By then, we were not aware what could be behind that group – now we know.

We are very sorry for the confusion and problems that this may cause to you.

The name of Tudeh – or whatever name they claim – will not appear on any document (Declaration; official Conclusions; separate Resolutions of the seminar in support of Cuba and of the Palestinian people) or report of the Seminar.

Sorry again, and hoping this will not affect our party-to-party relations.

Accept our fraternal communist greetings,

Baudouin Deckers
 Member of the National Bureau and
 Head of the Department of International Relations of the
 Workers' Party of Belgium

کارگری و کمونیستی جهان با توسل به دغلکاری و دروغ نمونه دیگری از ماهیت و شکل عملکرد این جریان ضد توده ای است.

ادامه کودکان کار ...

می گیرد. یکی از مسئولان جمعیت دفاع از کودکان کار در یک گفتگو مطبوعاتی نسبت به برخوردهای خشن و غیر انسانی حتی از سوی سازمان بهزیستی انتقاد کرده و تاکید کرد: "من البته نمی گویم که بهزیستی کودک آزاری می کند، اما برخوردهای خشونت آمیزی دارد که بچه ها وحشت می کنند. الان هم اسم بهزیستی، برای این بچه ها یک کابوس است." وقتی نهادی رسمی که با بودجه دولتی بخشی از مسئولیت رسیدگی به کودکان کار و خیابانی را دارد و نسبت به بعضی نهادهای دیگر از جمله کمیته امداد خمینی از توان و نیروی کارشناسی برخوردار است این چنین با کودکان معصوم و بی پناه برخورد می کند که این کودکان حاضر به تحت پوشش قرار گرفتن آن نیستند. برخورد سپاه و بسیج، شهرداری، نیروهای انتظامی و کمیته امداد خمینی دیگر مشخص است! به قول معروف مشت نمونه خروار است.

خبرگزاری ایلنا دردی ماه سال گذشته از قول یکی از کارشناسان آسیب شناسی اجتماعی گزارش داد: "آمار کودکان کار در ایران هر روزه افزایش می یابد و بعید نیست که سرنوشتی همچون کودکان هند درانتظار ایران نباشد. اولین نهاد حمایتگر از کودکان کار سازمان بهزیستی است که متأسفانه به دلیل عدم بودجه کافی، این سازمان قادر به حمایت چشمگیر از این کودکان نبوده است."

کوتاه سخن: پدیده کودکان کار و خیابانی نتیجه مستقیم عملکرد رژیم واپس مانده ولایت فقیه و سمت گیری اقتصادی-اجتماعی ضد مردمی آن است. حل این معضل اجتماعی بزرگ و غیر قابل چشم پوشی به اتخاذ یک سیاست درست و واقع بینانه اقتصادی-اجتماعی نیازمند است، سیاسی که با حضور رژیم ولایت فقیه امکان اجرا و تحقق و اجرا نداشته و نخواهد داشت!

نشریه ضد توده ای "راه توده" که برای نشر اکاذیب و ضربه زدن به حزب توده ایران منتشر می شود، در شماره ۲۲۳ خود مطلبی را با عنوان "گزارش راه توده از اجلاس ۴۹ حزب کمونیست و مترقی جهان" منتشر کرده است. این نشریه در گزارش از این نشست می نویسد: "راه توده که یک عضو شورای سردبیری، به همراه دو تن از مترجمین و نویسندگان خود را به این کنفرانس اعزام کرده بود، موفق شد با چند تن از رهبران هیئتهای نمایندگی پیرامون مسائل جهانی و مسائل خاص کشورها گفتگو کند. از میان این گفتگوها، در این شماره گفتگویی را می خوانید که با سرپرست هیات اعزامی حزب کمونیست فدراتیو روسیه، بدلیل اهمیت دیدار اخیر رهبر و اعضای رهبری این حزب با رئیس جمهور روسیه "مدویدف" انجام شده است. در شماره های آینده گزارش ها و مصاحبه های دیگری را منتشر خواهیم کرد."

در پی تماس رهبری حزب با رفقای حزب "کارگران بلژیک" که میزبانی این نشست را بر عهده داشتند و گفتگوی تلفنی با مسئول شعبه بین الملل این حزب روشن شد که افراد "راه توده" برای اجازه شرکت یافتن در این نشست خود را به دروغ نمایندگان حزب توده ایران معرفی کرده اند. به قول رفیق "بودیون دکرز"، مسئول روابط بین المللی حزب "کارگران بلژیک"، این افراد با حيله و تقلب خود را نمایندگان حزب معرفی کردند و وارد جلسه شدند. در نامه رسمی شعبه روابط بین المللی حزب "کارگران بلژیک" به رهبری حزب ما (۳۰ اردیبهشت، ۲۰ ماه مه)، از جمله می خوانیم:

"رفقای عزیز حزب توده ایران پوزش ما را در زمینه اجازه شرکت دادن به افرادی که خود را نمایندگان توده معرفی می کردند بپذیرید. ما در آن روز بسیار مشغول بودیم و تعداد رفقای مان نیز به دلیل برگزاری دو انتخابات در بلژیک (انتخابات پارلمان اروپا و انتخابات محلی) کمتر از معمول بود. زیر فشار برگزاری جلسه در آن روز و اصرار شدید این افراد که خود را نمایندگان حزب معرفی می کردند، ما از آنجایی که هیچ اطلاع رسمی از سوی حزب توده ایران در زمینه شرکت این افراد نداشتیم - که روال عادی کار ماست - بالاخره قبول کردیم که این افراد تنها به عنوان **حاضر، و نه شرکت کننده** در این نشست حضور یابند. ما در آن هنگام از ماهیت اصلی این افراد مطلع نبودیم ولی امروز می دانیم. ما از سردرگمی پیش آمده و مشکلاتی که این امر می تواند برای شما ایجاد کند متأسفیم. هیچ نامی از این افراد در اسناد رسمی کنفرانس و گزارش های آن برده نخواهد شد.

پوزش ما را بار دیگر بپذیرید. با درودهای کمونیستی بودیون دکرز، مسئول شعبه روابط بین المللی حزب کارگران بلژیک."

ما در سال های اخیر اسناد گوناگونی را در زمینه عملکرد سؤال برانگیز این نشریه و مسئول آن در عرصه های مختلف از جعل تاریخ حزب زیر عنوان "یاد مانده ها" تا انتشار "اسناد" پخته شده در وزارت اطلاعات رژیم، دفاع از خائینی همچون شهبازی و پرتوی و دفاع نهان و آشکار از رژیم ولایت فقیه منتشر کرده ایم. این "شاهکار" اخیر "عضو شورای سردبیری..." در تلاش برای نفوذ در جنبش

ادامه شکنجه گر وزارت اطلاعات ...

ها، درد خود را فراموش می کردم و باخود فکر می کردم این کیست؟ و جواب می دادم مهم نیست که اسمش چیست و عقیده اش کدام است. این دیگر یک فرد و یک انسان نیست، همه انسانیت و همه بشریت است که چنین ذلیل و بیچاره بر روی زمین می خزد. انسان هایی را دیده ام که در اثر زخم ها و دردهای ناشی از شکنجه استفراغ می کردند و در نتیجه آنقدر آب از دست می دادند که پوستشان خشک می شد و خطر مرگ تهدیدشان می کرد و برای نجات جانشان که اکثریت خواهان این نبودند، می بایست به تزریق سرم متوسل شد. انسان هایی را دیده ام که از شدت ضربه های شلاق خون ادرار می کردند و به علت از کار افتادن کلیه ها می بایست دیالیز می شدند. البته از حق نگذریم که نام این اعمال را تزییر گذاشته بودند...."

رفیق شهید دکتر احمد دانش در نامه خود تاکید می کند: "عده زیادی از کم سالان و جوانان و پیران، از زن و مرد و از گروه های مختلف سیاسی و یا طیف عقاید کاملاً متفاوت و از جمله تعداد زیادی از رفقای من، به این وضع دچارند که به جای رسیدگی به وضع حقوقی و قضایی آنها، تحت انواع فشارها برای پذیرفتن موقعیت و وضعیتی به نام تواب بخوانید تن دادن به ریا و تزویر و نفاق واقعی قرار دارند.... از آنچه که در هنگام به اصطلاح بازجویی ها گذشته است، می گذرم، بیشتر جلسات، شکنجه روانی و جسمی بود تا جلسه بازجویی. در همه این جلسات متهم با چشم بسته شرکت می کرد و همه آنها با فحاشی شدید و کتک همراه بود...."

این نامه افشاگر، یک سند رسمی و غیر قابل چشم پوشی از وضعیت زندان ها و رفتار با دگراندیشان است و به خوبی معنا و مفهوم مباحثه مورد اشاره افرادی چون سردبیر کیهان، حسین شریعتمداری را آشکار می سازد.

نامه دوم توسط رفیق شهید هوشنگ قربان نژاد نگاشته و از درون زندان به مقامات دادستانی انقلاب اسلامی ارسال گردیده است. رفیق قهرمان هوشنگ قربان نژاد از افسران توده ای بود که در جریان کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و مورد شکنجه های حیوانی قرار گرفت. او در نامه افشاگرانه خود شکنجه های دو رژیم را مقایسه کرده و با صراحت و شجاعت خطاب به مسئولین رژیم ولایت فقیه می نویسد: "... وقتی سخن از زندان و رفتار با زندانیان اعم از سیاسی و عادی، در زندان های جمهوری اسلامی به میان می آید، چنان مبالغه می کنند که به خواننده، شنونده و بیننده خالی الذهن و همه آنهایی که از دور دستی بر آتش دارند یقین می شود... که زندان های جمهوری اسلامی را هم چون استراحت گاه تجسم می کنند... من که نزدیک به ۵ سال است در زندان های مختلف تهران بوده و هستم... دایماً تحت شکنجه های جسمی و روانی و رفتار موهن مسئولین زندان بوده و هستم... باید اضافه کنم در زندان های دوران ستم شاهی که تقریباً ۱۳ سال را در آنها به سر برده ام، هرگز مشابه با چنین صحنه هایی برخورد نکرده ام..."

چنین است معنای مباحثه در فرهنگ جنایتکارانهی چون حسین شریعتمداری ها و احمدی نژادها و همه آن شکنجه گران که اینک در پست های کلیدی رژیم ولایت فقیه عامل غارت و چپاول و جنایت هستند. آنچه در تاریخ درخشیده و خواهد درخشید، انسانیت و انسان های شرافتمندی هستند که زندگی خویش را وقف عدالت، آزادی و حقیقت کرده اند و احسان طبری یکی از این چهره های پر فروغ به شمار می آید!

چه دلیلی یکباره مهدی کروبی صرفاً با یک نامه نگاری، به نماینده و نماد و مدافع " اهالی فرهنگ و سیاست در برابر کیهان " بدل می گردد. درخصوص برخورد کروبی و کیهان و محتوی آن، باید به نکاتی اشاره داشت که به اعتقاد ما تاکید بر آنها از اهمیت جدی برخوردار است، زیرا نمی توان از پایبندی به " حقوق شهروندان " سخن گفت اما با مرزبندی خودی و غیر خودی، برسرنوشت هزاران دگراندیش در طول سه دهه گذشته چشم فروبست. بی اعتنایی به آنچه بر سر دگراندیشان آمده (که رفتار با اندیشمند فقید زنده یاد احسان طبری یکی از نمونه های آن است) خود معیاری بر شعارهای تبلیغاتی امروزی است.

در جدال کروبی و کیهان، حسین شریعتمداری با وقاحت تمام که از مشخصه های شکنجه گران جمهوری اسلامی است، از سوابق خود در دهه شصت خورشیدی یاد می کند و از اینکه در زندان های مختلف به کار شکنجه مشغول بوده و به همین علت از سوی خمینی مورد تشویق و تایید قرار گرفته، به عنوان یک سابقه ارزنده در میان چهره های حکومتی نام می برد. شریعتمداری در نامه خود به کروبی که در کیهان ۱۳ اردیبهشت ماه انتشار یافته از جمله نوشته است: " پرسیده اید که آیا بنده تاکنون ملاقاتی با حضرت امام (ره) داشته ام؟ برای مزید اطلاع جنابعالی باید بگویم، آری، بارها توفیق زیارت آن بزرگوار را داشته ام و از جمله، بعد از دستگیری اعضای حزب توده با واسطه شهید محلاتی که در آن زمان نماینده حضرت امام (ره) در سپاه بودند برای مباحثه با احسان طبری درباره مارکسیسم و نقد آن ماموریت یافتم و بعد از بازگشت مرحوم احسان طبری به اسلام - که نتیجه مستقیم مراجعه وی به شخصیت عظیم حضرت امام (ره) و آثار استاد شهید مطهری بود - مورد لطف حضرت امام نیز قرار گرفتم. ..."

پایگاه خبرسانی رجانیز وابسته به باندهای هوادار احمدی نژاد نیز به تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه این بخش نامه شریعتمداری را تحت عنوان " احسان طبری با آثار مطهری به اسلام بازگشت " منتشر ساخت و نوشت: " احسان طبری نویسنده و نظریه پرداز مارکسیست و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بود. که پس از انقلاب از گذشته خود اظهار ندامت کرد."

شریعتمداری از ماموریت بازجویی خود در زندان با عنوان مباحثه یاد کرده است و ابداً اشاره ای به شکنجه نمی کند. حال ببینیم معنای مباحثه ای که وی مدعی آن است چیست؟ ما در این زمینه به دو نامه به عنوان دو سند تاریخی که از درون زندان های جمهوری اسلامی نگاشته شده و به بیرون ارسال گردیده و در مطبوعات نیز به چاپ رسیده است، استناد می کنیم تا خوانندگان و همه وجدان های بیدار معنی مباحثه در زندان های رژیم ولایت فقیه را به خوبی درک کنند. این دو نامه، یکی بوسیله رفیق شهید دکتر احمد دانش شریعت پناهی به تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۶۶ از زندان اوین خطاب به آیت الله منتظری و دیگری توسط رفیق شهید هوشنگ قربان نژاد در تاریخ ۱ مرداد ۱۳۶۶ از زندان گوهردشت خطاب به دادستانی انقلاب اسلامی تهران نوشته شده است. هر دو نویسنده اعضای رهبری حزب توده ایران بودند که در جریان فاجعه ملی قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ اعدام گردیدند.

رفیق شهید دکتر احمد دانش در نامه خود به آیت الله منتظری می نویسد: " کوشش برای تغییر عقیده از طریق اعمال فشار و زور بیهوده است... درحالیکه بارها و بارها شنیده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی خوانده بودم که شکنجه ممنوع است، خود شکنجه شده و بارها و بارها شاهد شکنجه های بیرحمانه انسان های دیگر بوده ام. انسان هایی که صدای خش خش خزیدن پیکر علیل آنها را شنیده و از زیر چشم بند دیده ام که چون در اثر شکنجه قادر به راه رفتن نبوده اند و برای نقل مکان بر روی پای خود می خزیدند و من با دیدن این صحنه



آزادی برای همه دانشجویان در بند!

هیچ جرمی مرتکب نشده بودند که این چنین غیر انسانی سرکوب و به بند کشیده شده اند... در ادامه این فراخوان تاکید می شود: "ما میلیون ها کارگر و زحمتکش و مساوات طلب نسبت به عزیزان دربند و خانواده هایشان مسئول هستیم و نباید آن ها را تنها بگذاریم. باید فوراً متحدانه دست به کار مبارزه ای وسیع تا آزادی همه دستگیر شدگان شویم، ..."

ادامه بازداشت ده ها کارگر و دیگر مبارزان صنفی و سیاسی بخشی از سیاست هدفمند ارتجاع حاکم برای به تسلیم کشاندن جنبش مردمی در اوضاع حساس کنونی قلمداد می شود. کارگران زندانی هیچگونه جرمی جز دفاع از حقوق خود و پافشاری بر احیای حقوق سندیکیایی ندارند.

حزب توده ایران ضمن حمایت قاطع از فراخوان آزادی برای دستگیر شدگان مراسم روز جهانی کارگر، همه امکانات خود را در این راه به کار گرفته و هم سنگر با سندیکاهای مستقل و نهادهای مردمی مدافع حقوق زنان، جوانان و دانشجویان برای آزادی کارگران دربند و همه دستگیر شدگان روز جهانی کارگر و کلیه زندانیان سیاسی بدون هیچ استثنایی مبارزه کرده و می کند! کارگر زندانی را آزاد کنید! آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

جنبش دانشجویی در رویارویی با ارتجاع حاکم

ادامه مبارزات دانشجویان در دانشگاه های سراسر کشور، مرتجعان حاکم را در وضعیت دشوار قرار داده است. ارگان ها و نهادهای امنیتی در ماه های گذشته کوشیدند با دستگیری، اخراج و محرومیت از تحصیل، جنبش دانشجویی را مهار کرده و از میزان تاثیر گذاری آن بر تحولات به ویژه روند مربوط به انتخابات ریاست جمهوری بکاهند. اما با وجود تمامی لطماتی که سیاست سرکوب هدفمند به مبارزات جوانان و دانشجویان وارد ساخته و می سازد، این جنبش در برابر ارتجاع حاکم تسلیم نشد و با حمایت توده های وسیع دانشجویی و همبستگی دیگر گردان های جنبش مردمی به مبارزه ادامه داده و می دهد. به گزارش خبرنگار امیرکبیر، ۲۲ اردیبهشت ماه امسال، تریبون آزاد دانشجویی برای آزادی مبارزان دربند، در صحن اصلی دانشگاه پلی تکنیک (امیرکبیر) برگزار شد. این خبرنگار گزارش داد: "تریبون آزاد دانشجویی برای آزادی، دیروز (۲۱ اردیبهشت ماه در دانشگاه پلی تکنیک، در حالی برگزار شد که ۳۵ نفر از دانشجویان این دانشگاه از صبح روز دوشنبه به دانشگاه ممنوع الورد شدند. این دانشجویان در حالی که صبح دیروز برای حضور در کلاس های خود قصد ورود به دانشگاه داشتند، توسط ماموران انتظامات و حراست دانشگاه، مطلع شدند که، به دانشگاه ممنوع الورد شده اند. در تریبون آزاد ... صدها دانشجوی دانشگاه پلی تکنیک و نیز برخی اعضای دفتر تحکیم وحدت و اعضای شورای تهران این اتحادیه حضور داشتند. تداوم بازداشت چهار دانشجویی دربند، عملکرد چهارساله دولت نهم، سرکوب فعالان مدنی و بسته شدن فضای دانشگاه در آستانه انتخابات، محورهای اعتراضات در تریبون آزاد روز دوشنبه (۲۱ اردیبهشت ماه) بود، گفتنی است روز یکشنبه انجمن اسلامی دانشگاه پلی تکنیک با صدور بیانیه ای ... به اتهامات واهی علیه دانشجویان پلی تکنیک اعتراض کرده بود..."

از دیگر سو با انتشار اتهامات واهی بر ضد برخی دانشجویان دربند و



از فراخوان برای آزادی کارگران زندانی حمایت کنیم!

با گذشت چند هفته از بازداشت خودسرانه و غیر قانونی گروهی از شرکت کنندگان مراسم روز جهانی کارگر و با وجود مراجعات مکرر بستگان و خانواده های دستگیرشدگان، مسئولان رژیم ولایت فقیه از پاسخ درباره سرنویشت این زندانیان امتناع می کنند. در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه، کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر متشکل از سندیکاهای مستقل کارگری با انتشار فراخوانی از همه تشکل ها و نهادهای مردمی و کارگری ایران و جهان خواست برای آزادی دستگیرشدگان مراسم روز جهانی کارگر و کارگران زندانی کارزار گسترده ای را سازمان دهند. در بخشی از فراخوان آمده است: "در روز جهانی کارگر هنگامی که کارگران و خانواده های آنان که بنابر فراخوان کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه (مشمول بر تشکل های مستقل کارگری ایران) که برای اعلام مطالبات خود و گرامی داشت این روز در پارک لاله تهران گردهم آمده اند، به همراه تعداد دیگری از مردم حاضر در پارک مورد یورش نیروهای امنیتی - پلیسی و مأموران لباس شخصی قرار گرفتند. این نیروها با انواع ابزار و روش های سرکوب، تعداد زیادی را شدیداً مجروح و بیش از صدو پنجاه نفر را در حالی که مورد ضرب و شتم واقع شده بودند، دستگیر و روانه زندان کردند. از این تعداد هنوز حدود یکصد تن در زندان به سر می برند. این افراد

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

منصور حیات غیبی همایون جابری غلامرضا خانی جعفر عظیم زاده شاهرور احسانی راد

بهرام عابدینی محمد اشرفی سعید یوزی علیرضا ثقفی

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

همزمان با نامه های حسین شریعتمداری به کربوبی و تاکید شریعتمداری بر این مساله که گویا بازجو نبوده و در شکنجه دگر اندیشان از جمله زنده یاد احسان طبری دست نداشته، خبرنگار امیرکبیر با افشای شکنجه دانشجویان دربند برای گرفتن اعترافات اجباری و دروغ از جمله نوشت: "عصبانیت روزنامه بازجو شریعتمداری از آشکار شدن شکنجه های دانشجویان ... شریعتمداری مدیر مسئول روزنامه اطلاعاتی کیهان که بازجو بودن را افتخار می داند، احتمالاً شکنجه دادن دانشجویان را هم دارای ثوابی عظیم به شمار می آورد ... افشاگری های شکنجه گران چنان بر سردبیر بازجوی کیهان سخت آمده است که از روا داشتن هیچ اتهامی بردانشجویان ... اهمال نکرده است...."

همچنین بیش از ۵۴ تشکل دانشجویی، انجمن های اسلامی دانشگاه ها از سراسر ایران با انتشار نامه ی سرگشاده تحت عنوان، نه، به احمدی نژاد، کارنامه دولت ارتجاع حاکم را فوق العاده سیاه و زیان بار برای کشور ارزیابی کرده و خاطر نشان ساختند: "به جرئت می توان گفت دانشگاه، این مهمترین کانون آزادی خواهی و روشنگری سهمگین ترین ضربات و بیشترین فشارها را از جانب دولت نهم دریافت کرده است روی کار آمدن محمود احمدی نژاد و حضور نظامیان در حوزه اجرایی کشور، منجر به حاکم شدن یک نگاه امنیتی و سرکوبگر به جریانات اجتماعی و سیاسی گردید که ادامه روند سلب تنفس از گروه ها و فعالین سیاسی آزادی خواه، کشور را در آستانه انفجار اجتماعی قرار خواهد داد ما معتقدیم حضور دوباره محمود احمدی نژاد موجب تشدید تمامی بحران ها و فروپاشی اجتماعی خواهد. با صدای بلند فریاد برمی آوریم احمدی نژاد باید برود. نه به احمدی نژاد و توقف روند فعلی می تواند، می تواند تصمیمی عقلانی از طرف همه گروه ها، احزاب و فعالین سیاسی و مدنی آزادی خواه و اصلاح طلب باشد"

علاوه بر اینها، جنبش دانشجویی با حمایت از نشست سراسری حق تحصیل که به ابتکار برخی فعالان حقوق اقلیت های مذهبی بویژه هم میهنان بهایی در دو شهر تهران و شیراز برگزار گردید، سیاست های ضد انسانی و تبعیض آمیز ارتجاع حاکم و دولت احمدی نژاد را به چالش گرفت. در این اوضاع حساس، حفظ وحدت جنبش دانشجویی، تشخیص درست صحنه سیاسی و تحکیم پیوند با دیگر گردان های جنبش مردمی از الویت های اساسی جنبش دانشجویی در مبارزه برای درهم کوبیدن ارتجاع حاکم در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری است!

مخالفت روز افزون با طرح امنیت اجتماعی و گشت های ارشاد

مخالفت جدی و عمیق اجتماعی، به ویژه از سوی جوانان و زنان کشور، با طرح امنیت اجتماعی و گشت های ارشاد، بسیاری از محافل با نفوذ حکومتی را به فکر چاره در این زمینه انداخته است. در عین حال نامزدی های اصلاح طلب حکومتی نیز از برنامه توقف گشت های ارشاد در صورت پیروزی در انتخابات سخن می گویند. به عبارتی با نزدیک شدن زمان انتخابات ریاست جمهوری

بحث داغ درباره عملکرد نیروهای انتظامی، بسیج و دیگر ارگان های فعال در زمینه طرح امنیت اجتماعی جریان دارد. در این خصوص عامل چنین بحث و برخوردهایی نارضایتی گسترده اجتماعی از چنین طرح ارتجاعی است. در تمام این مدت یعنی از زمان اجرای طرح امنیت اجتماعی، گشت های ارشاد و طرح گشت های اوباش بسیج در محلات، نیروهای انتظامی و بسیج هزاران زن و مرد، پیروچوان را مورد آزار و اذیت قرار داده و بدیهی ترین حقوق فردی و اجتماعی افراد را پایمال ساخته اند. هدف اصلی این طرح و حضور پرمعنای بسیج در شهرهای بزرگ کشور در درجه نخست ایجاد جو رعب و وحشت و سرکوب هر گونه صدای حق طلبانه بوده و هست. به همین دلیل این طرح بخشی از برنامه ارتجاع حاکم برای مقابله با نارضایتی اجتماعی روبه گسترش و سرکوب جنبش مردمی است. بی جهت نبود که معاون دادستان تهران در گفت و گو با خبرنگاری فارس ۲۹ فروردین امسال اعلام داشت: "گشت های ارشاد تعطیل بردار نیست و این گشت ها به کار خود ادامه خواهند داد. طرح امنیت اجتماعی اجتناب ناپذیر است. برخورد با بدحجاب، بی توجهی به اخلاق اجتماعی، عدم رعایت شئون اسلامی و پوشش های نامناسب مردان و زنان بخشی از طرح امنیت اجتماعی است و همه طرح نیست" از سوی دیگر پاسدار اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروهای انتظامی نیز اعلام کرد: "طرح گشت های بسیج در محلات که با هدف تامین امنیت اجتماعی هر شب از ساعت ۲۴ تا ۶ صبح از اول آذر ماه سال گذشته در کشور اجرا شده است، بسیار مطلوب ارزیابی می شود. بسیج طبق قانون، ضابط قضایی است و درجایی که نیروی انتظامی حضور ندارد، به تنهایی می تواند اقدام کند و نیروهای بسیج در برقراری امنیت در محلات اصلی ترین عامل به شمار می آیند." تاکید مستولان رنگارنگ ارتجاع حاکم و نیروهای امنیتی و قضایی بر ادامه طرح امنیت اجتماعی و گشت های بسیج و ارشاد، نشانگر هراس مرتجعان از وضعیت موجود است. به رغم سلطه رژیم ولایت فقیه بر ارکان اصلی کشور و تبلیغات و امکانات گسترده آن، مردم ایران از طبقات گوناگون اجتماعی با برنامه، ساست و افکار قرون وسطایی که به جامعه هر روزه تحمیل می شود، مخالفت کرده و مبارزه می کنند. وجود گشت های ارشاد و بسیج به نوبه خود ثابت می کند، رژیم ولایت فقیه و به ویژه طیف ارتجاع حاکم در برابر مردم و خواست ها و نیازهای مشروع، قانونی و به حق آنان از جمله حقوق دموکراتیک فردی و اجتماعی خصوصاً آزادی های دموکراتیک در وسیع ترین شکل آن نیازمند سرکوب و اعمال فشار است. برچیدن گشت های بسیج و ارشاد و تعطیل ساختن طرح ارتجاعی امنیت اجتماعی یک خواست همگانی است، با مبارزه ای سازمان یافته می توان ارتجاع را در این زمینه به عقب راند و به شکست کشاند!

جوانان و طرح برخورد با خانه های مجردی

ارتجاع حاکم در کنار برنامه هایی نظیر گشت های ارشاد و طرح امنیت اجتماعی از مدتی قبل برنامه هدفمند سرکوب اعتراضات جوانان کشور را با نام برخورد با خانه های مجردی به اجرا گذاشته است. هزاران جوان در چارچوب این طرح فوق العاده ارتجاعی مورد تعرض ماموران امنیتی و نیروهای انتظامی قرار گرفته و در بسیاری موارد با ضرب و شتم و ایجاد جو رعب و وحشت بازداشت و روانه زندان و پاسگاه های پلیس شدند. یورش به خانه های مجردی در واقع طرحی است برای سرکوب جوانان و پایمال ساختن حقوق بدیهی و شخصیت مستقل و پویای آنان! در اعتراض به این طرح گروهی از وکلای دادگستری، ضمن تاکید بر حقوق جوانان و حق آنان در برخورداری از یک زندگی مستقل و شرافتمندانه، حرکت نیروهای انتظامی و برخورد قوه قضاییه را خلاف قانون اساسی نامیدند. رژیم ولایت فقیه برای اجرای برنامه های ضد مردمی خود به سرکوب و ایجاد جو رعب و وحشت نیازمند است، طرح برخورد با خانه های مجردی در راستای چنین سیاستی قابل ارزیابی بوده و معنا می دهد. به علاوه جوانان کشور همواره از مخالفان اصلی رژیم قلمداد شده و نقش آنها در مبارزه اعتراضی کنونی علیه ارتجاع حاکم غیر قابل چشم پوشی است، بنابر این خاموش کردن صدای اعتراضی این بخش جامعه از هدف های درجه اول به شمار می آید. انتخاب زمان اجرای این طرح، شکل اجرای آن و سرکوب جوانان نشان میدهد، ما با برنامه ای حساب شده مواجه هستیم که لبه تیز آن متوجه جوانان میهن است! تجربه سالیان اخیر ثابت می کند جامعه جوان ایران را نمی توان با چنین طرح هایی سرکوب و به انقیاد کشاند!

ادامه انتخابات عرصه مهم ...

خدمت، هر گونه «ریش سفیدی» را ناممکن سازد. علی لاریجانی و حامیان ۷۵ اصولگرایی شدند که به محمود احمدی نژاد رای منفی دادند. اما روح الله حسینیان و حامیان رایحه خوش خدمتی هم گر چه ۵۰ نماینده بیشتر نیستند اما زنگ خطر رقیب اصلاح طلب سبب شد ۳۰ نماینده دیگر هم از سر مصلحت به آنها بپیوندند و سرانجام ۸۰ نماینده خواستار حمایت فراکسیون اصولگرایان از محمود احمدی نژاد شدند.

از سوی دیگر وابستگان تبلیغاتی و چماق داران مطبوعاتی رژیم نیز کارزار وسیعی را بر ضد نامزدهای اصلاح طلبان حکومتی سازمان دهی کرده اند که نقش کیهان، به سردبیری شکنجه گر وزارت اطلاعات، شریعتمداری در آن نمونه است. کیهان در برخورد با کربوبی و همچنین مصاحبه تلویزیونی اخیر موسوی، ضمن حملات شدیدی از جمله نوشت: «موسوی سخن تازه ای علیه رئیس جمهور و دولت نهم نداشت و آنچه در این باره بر زبان آورد، دقیقاً و بی کم و کاست- تأکید می شود بی کم و کاست - همان جملاتی بود که دشمنان تابلودار اسلام و انقلاب طی چند سال اخیر علیه احمدی نژاد بر زبان و قلم آورده و هنوز هم می آورند. اما آقای مهندس موسوی به بهانه سیاه نمایی علیه احمدی نژاد بسیاری از آموزه های اسلامی و انقلابی را مورد هجوم قرار داد و به نظرات صریح و خالی از ابهام حضرت امام حمله کرد. آقای موسوی، چرا به شعور و حیثیت مردم اهانت می کند و به آنان اتهام می زند که برای استقبال از رئیس جمهور خویش پول دریافت کرده اند؟! یعنی دقیقاً همان اهانت و اتهامی که مدتهاست اسرائیل، آمریکا و ضد انقلابیون فراری علیه مردم شریف و مسلمان ایران روا می دارند.»

ما در هفته های اخیر ضمن تأکید بر واقعیت های کنونی جامعه، امکانات عینی و ذهنی جنبش مردمی و سطح سازمان یافتگی و توان نیروهای اجتماعی و نیروهای سیاسی دگراندیش و آزادی خواه کشور و در عین حال با طرح انتقادات و اشکالات جدی از نامزدهای اصلاح طلبان و سیاست های اعلام شده از سوی آنها بر این نکته تأکید کرد و می کنیم که مبارزه انتخاباتی، عرصه مهم مبارزه سیاسی بر ضد رژیم ولایت فقیه و افشای کارنامه ضد مردمی رژیم و دولت برگمارده آن در زمینه های گوناگون است. در عین حال انتخابات فرصتی است برای بسیج نیروهای اجتماعی کشور، برای همکاری و تلاش مشترک نیروهای مترقی و آزادی خواه، و همچنین برای بسیج و سازمان دهی نیرو و گسترش امکانات جنبش برای مقابله با برنامه های ارتجاع، حجازیان در این زمینه ضمن تحلیل مشابهی می گوید: «اما در فضای رقابت به علت باز شدن فضای نسبی، هم رقبا و هم هواداران توانسته اند بسیاری از سیاهکاری ها و تباهی های دولت را روی دایره بریزند. البته من نمی دانم که لغت سیاه نمایی اخیراً از کجا آمده است وقتی دولتی که سیاهکاری می کند طبعاً کارگزار کاروی سیاه خواهد بود، مگر آنکه در لحظاتی حتی لاش مرده سگی را ببینیم و بگوییم که به جمع دندان سفیدی دارد اما برای خبرنگاری که می خواهد گزارش دقیقی از اوضاع کشور بدهد، این نگاه کارساز نیست و شاید نوعی خیانت به مردم باشد. در هر حال در این انتخابات نیز بسیاری از لوش لجن ها از کف مرداب به سطح آمده اند و مردم دیده اند که پشت صحنه چه خبر است.» (به نقل از پایگاه خبری امروز) ما تکرار می کنیم که انتخابات کنونی نه تنها آزاد نیست بلکه روند تحمیل شده ای است از سوی رژیم ولایت فقیه، که در چارچوب نظارت مرتجعان شورای نگهبان و دخالت آشکار و نهان نمایندگان خامنه ای و دستگاه های سرکوبگر، برای برگمارگی مرتجعی همچون احمدی نژاد بر کرسی ریاست جمهوری برگزار می شود. در چنین چارچوب تنگ و انحصار طلبانه بی انتظار تحولات بنیادین و دموکراتیک داشتن از انتخابات تصور بی پایه و نادرستی است که بی گمان ما را به تحلیل های نادرست و غیر واقع بینانه از شرایط کنونی سوق می دهد. در عین حال نمی توان به مردم گفت که با خانه نشستن و دوری از چنین روندی می توان به خواست های اساسی شان، از جمله تخفیف فقر و محرومیت، کاهش بیکاری، تورم و فشارهای کم شکن اقتصادی بر خانواده ها، و تخفیف جو خشن سرکوب کنونی، دست یافت. بهره برداری از امکانات محدود کنونی برای سازمان دهی نیروهای اجتماعی حول شعارهای مردمی و تلاش برای تحمیل این خواست ها بر برنامه های اصلاح طلبان حکومتی گامی در احیای روحیه مبارزه طلبی و فایق شدن بر عقب گردهای ناشی از نتایج انتخابات گذشته و روی کار آمدن دولت احمدی نژاد است. باید تمام تلاش ها را برای شکست دادن نامزد اصلی ارتجاع، یعنی محمود احمدی نژاد به کار گرفت. تحقق چنین امری گامی هر چند کوچک در تخفیف فشارهای کنونی و حرکت به سمت احیای روند اصلاحات و بازسازی نیروهای اجتماعی برای مبارزه سرنوشت ساز آینده در راه طرد رژیم ولایت فقیه است.

ادامه کودکان کار ...



توانمندسازی کودکان خیابانی در جهت کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از این پدیده، مورد تأکید وزارت رفاه و تامین اجتماعی است ...

درخصوص این کودکان مظلوم که قربانی برنامه های ضد مردمی اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه و گسترش فقر در جامعه هستند تمامی گزارش ها از وضعیت ناهنجار و غیر انسانی حاکم بر زندگی آنها حکایت می کند. در اواسط سال گذشته یکی از اعضای موسس شبکه یاری کودکان کار و خیابانی در مصاحبه ای خاطر نشان ساخته بود، کودکان کار به دلیل فقر برای زنده ماندن و تامین هزینه خانواده خود تلاش می کنند، اینان از کمترین توجه دولت برخوردار بوده و به دلیل زندگی و کار در محیط های غیر بهداشتی در معرض ابتلا به انواع بیماری های مملک بویژه هیپاتیت ب قرار دارند و آثار بلاهای اجتماعی و طبیعی، بیماری به دلیل سوء تغذیه و عدم رعایت بهداشت و فقر در چهره تک تک کودکان کار و خیابان پیدا است. گرچه ماده ۷۹ قانون کار فعلی به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال را ممنوع اعلام کرد، ولی هزاران کودک ایرانی بین ۵ تا ۱۵ سال در کارگاه های مختلف تولیدی و خدماتی و در مزارع اجباراً بدون برخورداری از حقوق بدهی یک انسان به کار اشتغال دارند و متأسفانه در ۴ سال اخیر با عملکرد وزارت کار و امور اجتماعی حتی کارفرمایان بابت تخلف از قانون و بکارگیری کودکان در کارهای گوناگون صنعتی و یا خدماتی جریمه نیز نمی شوند. به گزارش اینلنا کودکان کار در برخی واحدها و کارگاه های تولیدی همچون برده و در شرایطی کاملاً غیر انسانی کار می کنند و وزارت کار دولت احمد نژاد حاضر نیست این دسته از کارگاه ها را مورد بازرسی قرار دهد و مانع از تخلف از قانون کار شود. علاوه بر این کودکان کار از بهداشت و آموزش نیز محروم هستند. اینلنا دراول مهرماه سال قبل همزمان با بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی گزارش داده بود: «بیش از ۹۰ درصد کودکان کار بی سوادند، اما با این وجود دولت اقدامی موثر برای آموزش این افراد انجام نداده است.»

در گزارش مذکور از قول مدیر شبکه یاری کودکان کار و خیابان یاد آوری می گردد: «دستگاه های دولتی به بهانه های مختلف مسئولیتی در قبال رسیدگی به وضعیت کودکان کار نمی پذیرند. موضوع آموزش و سواد آموزی این کودکان فوق العاده مهم است و اکنون به یک مشکل جدی بدل گردیده، زیرا دولت حاضر نیست مسئولیت بهداشت و آموزش کودکان کار را برعهده بگیرد. در تمام کشورهای دنیا متولی و مسئول آموزش و بهداشت دولت است و به علت حساسیت، این امر به بخش خصوصی واگذار نمی شود، ولی دولت در این عرصه حساس رسیدگی به کودکان کار را به بخش خصوصی سپرده و از خصوصی سازی امور حساسی چون بهداشت و آموزش دم می زند. در حال حاضر سازمان های غیر دولتی فعال در حوزه کودکان کار و خیابان نیز توان کافی را برای ارائه خدمات به این کودکان ندارند و بنابر این مداخله دولت در این زمینه ضروری به نظر می رسد. بسیاری از کودکان محروم از آموزش و یا آنهایی که ترک تحصیل کرده اند، جذب بازار کار و کارگاه ها و یا خیابان می شوند و وضعیت آنها وخیم تر از قبل می گردد.»

در حق این کودکان بی عدالتی شدیدی از سوی رژیم ولایت فقیه صورت

ادامه قلب تپنده کارل مارکس ...

تازه‌ای پیدا کرده‌اند - به‌ویژه در میان جوانان - و آنها را برای یافتن پاسخ زیر و رو می‌کنند. امروز کتاب کاپیتال او که برجسته‌ترین اثر او محسوب می‌شود، در فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار دارد. مارکس و دوست و همکار نزدیک او فردریک انگلس که خود انقلابی و اندیشمندی بزرگ بود، در بحبوحه رشد و بلوغ سرمایه‌داری صنعتی و تحول آن به سرمایه‌داری مالی در قرن نوزدهم در اروپا، مارکسیسم را شکل و تکامل دادند و آن را در زندگی به کار بستند. اگرچه سرمایه‌داری از آن زمان تاکنون دستخوش تغییراتی شده است که پیش‌بینی آنها برای مارکس در زمان خودش امکان‌پذیر نبود، و نیز منجر به بروز انقلاب‌های سوسیالیستی شده است که طبیعتاً پیش‌بینی چگونگی آنها برای مارکس امکان نداشت، اما درستی پایه و اساس نظریه‌های او در مورد سرمایه‌داری و انقلاب به کرات و در موارد زیادی ثابت شده است. امسال ما پنجاهمین سالگرد انقلاب کوبا را نیز جشن می‌گیریم که یکی از آن رویدادهای تکان‌دهنده دنیا و مؤید نظریه‌های مارکس بود. انقلابی که میراث او را با تجربه تاریخی مشخص مردم کوبا و با سنت‌های فرهنگی آنان درآمیخت، و آن را در مبارزه در راه عدالت اجتماعی و برضد تسلط خارجی به کار گرفت. پس از به دست گرفتن کنترل امور به دست خودشان در پی انقلاب و تحت رهبری انقلابیون بلندمرتبه‌ای مثل رفقا فیدل و رائول کاسترو، مردم کوبا یک جامعه نوین سوسیالیستی مبتنی بر عدالت، همبستگی و آزادی را بنا کردند که امروز مشعل راهنمای امیدبخشی برای میلیون‌ها نفر در سراسر جهان است. امسال ما همچنین دهمین سالگرد انقلاب بولیواری راه، در ونزوئلا به رهبری پرزیدنت هوگو چاوز، جشن می‌گیریم که دموکراسی واقعی و پیشرفت اجتماعی برای مردمش به ارمغان آورده است. مناسبت باشکوه دیگر امسال، پنجمین سالگرد ریاست جمهوری ایوو مورالس در بولیوی و به پیش بردن یک انقلاب دموکراتیک واقعی در کشوری است که بومیان بخش اعظم ملت را تشکیل می‌دهند. امروز دگرگونی‌های سیاسی متری یا سوسیالیستی در نقاط دیگر آمریکای لاتین نیز در جریانند که توسط جنبش‌های اجتماعی توده‌ای حمایت و به پیش برده می‌شوند. کل این منطقه اینک در وضعیت سیاسی نوین و بهتری قرار دارد، و امروز ملت‌های آمریکای لاتین و کشورهای کارائیب از واشنگتن می‌خواهند که به سیاست‌های ناعادلانه و غیرقانونی‌اش علیه کوبا که پنج دهه است ادامه دارد، پایان دهد. امروزه اشکال نوینی از همکاری اقتصادی و اجتماعی در قاره آمریکا در حال تدارک و تکوین هستند. هدف سازمان "گزینه بولیواری برای آمریکای لاتین"، "پیمان اقتصادی خلق‌ها"، "پتروکارپ" و دیگر برنامه‌ها و ابتکارهایی که تا کنون مطرح شده‌اند، چیزی نیست جز بهبود کیفیت زندگی انبوه مردم، و نیز تحکیم و تقویت استقلال کشورها و فراهم کردن این امکان برای آنها تا بتوانند به سرمایه‌داری جهانی و نهادهای آن پشت کنند. در تمام این تحولات امروز، زنده بودن اندیشه‌های مارکس را شاهدیم. خوزه مارتی، قهرمان ملی کوبا، زمانی گفت که "احترام به دیگران، احترام به خود است." او در زمانی که از مرگ مارکس در سال ۱۸۸۳ با خبر شد، در نیویورک و در تبعید به سر می‌برد و در راه تدارک استقلال کوبا از اسپانیا فعالیت می‌کرد. در آن زمان، در پی مرگ مارکس، او در طلبی که در نشریه آرژانتینی "لا ناسیون" نوشت، یاد مردی را گرامی داشت که شایسته چنان بزرگداشتی است "چرا که در کنار ضعیفان ایستاد." چند سال بعد در سال ۱۸۹۲، مارتی حزب انقلابی کوبا را پایه گذاشت که هدف آن هدایت انقلاب در راه استقلال کوبا و استقرار جمهوری در کوبا بود "همراه با همگان، و برای سعادت همگان"، و اصل راهنمای آن عبارت بود از "سربلندی کوبایی‌ها تا بالاترین شأن انسان"، که امروز هم در پیشگفتار قانونی اساسی کشور آمده است. در میان دیگرانی که به خوزه مارتی پیوستند، کارلوس بالینو بود که بعدها همراه با خولیو آنتونیو ملا نخستین حزب کمونیست کوبا را در سال ۱۹۲۵ بنیان گذارد. در نمونه دیگری از پیوندهای غالباً غیرمترقیه در تاریخ، فیدل کاسترو درست پس از حمله به پادگان مونکادا در سال ۱۹۵۳ که آغازگر روند انقلاب کوبا و مصادف با صدمین سالگرد تولد خوزه مارتی بود، او را بنیانگذار اندیشورانه آن عمل انقلابی خواند که آن روزها در جریان بود. ما هر سال نسبت به مارکس ادای احترام می‌کنیم و یاد او را گرامی می‌داریم، و این به دلیل سرمشق زیبای زندگی او و سهم و نقش بی‌ظیری است که او در مبارزه در راه پیشرفت اجتماعی و سربلندی بشر داشته است؛ و نیز به دلیل آن است که آثار او منبع درخشان و الهام‌بخش ما در پیشبرد این مبارزات بوده است. در این ابراز افتخار و ادای احترام به مارکس، و آن گونه که خوزه مارتی اگر زنده بود می‌گفت، بیایید بار دیگر پیمان بندیم تا به این افتخاری که از آن یاد می‌کنیم، صادقانه پایبند باشیم. زنده باد اندیشه‌ها و میراث کارل مارکس!

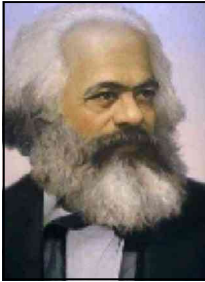
گزارشی از کنگره حزب کمونیست لبنان



دهمین کنگره حزب کمونیست لبنان، در اسفندماه، در بیروت، پایتخت لبنان، برگزار شد. این اولین کنگره حزب از سال ۲۰۰۳ و از زمان حمله نظامی سال ۲۰۰۶ اسرائیل به لبنان می‌باشد - تهاجمی که حزب کمونیست لبنان در صفوف

نیروی مقاومت در آن شرکت کرد و در مبارزه ای نابرابر اما قهرمانانه تعدادی از اعضای خود را از دست داد. تعداد قابل توجهی از احزاب کمونیست - کارگری جهان در این کنگره حضور داشتند. تقریباً تمام احزاب برادر از خاورمیانه و از جمله از اردن، سودان، عراق، سوریه، ترکیه، قبرس، تونس در کنگره شرکت داشتند. هم چنین نمایندگان احزاب کمونیست و چپ از اروپا و از جمله احزاب کمونیست فرانسه، دانمارک، اسپانیا، یونان، کاتالونیا، پرتغال، روسیه، ارمنستان، حزب کارگران بلژیک، حزب چپ سوئد، حزب کمونیست‌های ایتالیا، حزب کمونیست برزیل، حزب کمونیست هندوستان، در کنگره حضور داشتند. سفرای چین و کوبا در لبنان نیز در کنگره سخنرانی کردند. از طرف رهبری حزب برادر از حزب توده ایران نیز برای شرکت در این کنگره با اهمیت دعوت رسمی به عمل آمده بود. در طول کنگره نمایندگان احزاب برادر شرکت کننده با آقای میشل سلیمان، رئیس جمهوری لبنان، ملاقات کردند. پرزیدنت سلیمان در سخنرانی خود برای نمایندگان احزاب برادر از "مدل دموکراسی لبنان" به مثابه الگویی برای دموکراسی در منطقه، تضمین‌های قانونی برای آزادی بیان و عقیده و از جمله تامین حقوق مشخص برای اقلیت‌های مذهبی و ملی سخن گفت. او در این رابطه همچنین به فنانیسم حاکم در اسرائیل، و سرکوب و تبعیض‌های شدید در این کشور مورد حمایت ایالات متحده و اروپا اشاره کرد. مسئله نیاز به تعمیق دموکراسی در لبنان در تمامی بحث‌های کنگره مطرح بود. نکته دیگر مورد توجه کنگره مسئله سیاست‌های جنایتکارانه و جنگ طلبانه اسرائیل و ادامه اشغال سرزمین‌های فلسطینی و عربی توسط این کشور بود. در روز قبل از افتتاح کنگره نمایندگان احزاب برادر در کنفرانسی در رابطه با بحران اقتصادی و عواقب آن برای خاورمیانه، شرکت و سخنرانی کردند.

این کنفرانس یک روزه پس از مراسم گشایش رسمی کنگره دنبال شد، مراسمی که سخنرانی‌هایی از احزاب کمونیست مهمان کنگره و همچنین نمایندگان احزاب لبنانی را شامل می‌شد؛ برنامه کنگره همچنین شامل دو روز بحث‌های رسمی و برنامه‌ای بود. روز اول بحث و تبادل نظر با مسائل سیاسی و روز دوم به مسائل تشکیلاتی اختصاص داشت. بحث‌های کنگره در فضایی باز و رفیقانه دنبال می‌شد و سطح بالایی از بلوغ سیاسی را به نمایش می‌گذاشت. موضوعات اصلی مباحثه را جهت‌گیری سیاسی حزب (آیا باید به طرف یک جبهه دموکراتیک غیرمذهبی حرکت کرد و یا بر ابقاء پیوندها با سازمان‌های مسلمان، که در مقاومت در مقابل اسرائیل و آمریکا ضروری بودند، تلاش ورزید؟) و همچنین وضعیت تشکیلاتی - آنهم در کشوری که جنبش کارگری بسیار ضعیف است - تشکیل می‌دادند. خط سیاسی اصلی کنگره تأکید بر ضرورت تشکیل جبهه وسیعی از نیروهای غیر مذهبی بود که بتواند به جایگزینی در مقابل دو بلوک نیروهای مذهبی کشور، یعنی مسلمانان و مسیحیان، که بر امور سیاسی لبنان غالب هستند، تبدیل شود و حزب در عین حال موقعیت برجسته سنتی خود را در رهبری مبارزه ضد امپریالیستی از دست ندهد. این امر مورد تذکر قرار گرفت که تشکیل این جبهه نیازمند تجدید جهت تشکیلات توده‌ای حزب در جهت مبارزات گسترده و توسعه پایگاه طبقاتی آن است.



که آنها هم ناشی از ولع و طمع کاری سرمایه‌داری هستند. از جمله، با یک بحران اجتماعی طولانی و ژرفنده رو به رو هستیم که نه فقط بر ملت‌های فقیر کشورهای حاشیه در جهان سرمایه‌داری بلکه به طور فزاینده‌ای بر تنگدستان و طبقات میانه‌حال در کشورهای قدرتمند سرمایه‌داری نیز اثر می‌گذارد.

جهان همچنین با بحران زیست‌محیطی روبه‌رو است که ناشی از مصرف‌گرایی اصراف‌کارانه‌ای است که انباشت ثروت توسط ثروتمندان وابسته به وجود آن است. زیستگاه‌های طبیعی آلوده می‌شوند و حجم عظیمی از گازهای گرم‌کننده زمین تولید و به جو فرستاده می‌شود، که بی‌تردید تهدیدی است برای حیات نسل کنونی و نسل‌های آینده. در همین ارتباط، از یک سو با یک بحران انرژی ناشی از تحلیل رفتن منابع سوخت‌های فسیلی، بر اثر بهره‌برداری بی‌رویه و نامعقولانه به منظور کسب سود روبه‌رو هستیم، و از



سوی دیگر می‌بینیم که در راه گسترش استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، فعالیت تحقیقی و توسعه‌ای کافی و متناسب با نیازهای منطقی بشر صورت نمی‌گیرد. جهان ما با بحران کشاورزی رو به رو است که انبوه فزاینده‌ای از مردم، به‌ویژه در کشورهای توسعه نیافته، به سوی گرسنگی یا سوءتغذیه می‌رانند. و ما نیز با بحران اخلاقی ناشی از ایدئولوژی سرمایه‌داری مواجه هستیم که آرمان پیشرفت انسان را آلوده به همه بحران‌های پیش گفته کرده است و انسان‌ها را به یغماگرانی تبدیل می‌کند که انگیزه‌های جز حرص و آز، فردگرایی، و سود ندارند. در نتیجه، اینک جامعه بشری مواجه با بزرگترین چالشی است که تاکنون در تاریخ به خود دیده است، و هستی و موجودیت آن در خطر قرار گرفته است. در چنین وضعیتی است که بینش و آموزه‌های مارکس بیشتر از هر زمان دیگری موضوعیت پیدا می‌کنند. این روزها نوشته‌های او محبوبیت

ادامه در صفحه ۷

حزب توده ایران در مراسم بزرگداشت ۱۹۱مین زادروز کارل مارکس در لندن
قلب تپنده کارل مارکس

بر اساس سنت سالانه، امسال هم نمایندگان احزاب کارگری-کمونیستی جهان، و از جمله هیئت نمایندگی حزب توده ایران، به دعوت حزب کمونیست انگلستان بر مزار کارل مارکس، در گورستان "های گیت"، در شمال لندن، گرد همایی بی‌را برگزار کردند. رفیق پروفیسور "ماری دیویس"، عضو رهبری حزب کمونیست بریتانیا مسئولیت اجرای این مراسم را، که در ۱۹۱مین زادروز کارل مارکس، برگزار می‌شد، به عهده داشت. پس از سخنان کوتاه رفیق دیویس، رفیق "رنه موهیکا کانتلار"، سفیر جدید کشور کوبا در انگلستان، به نمایندگی از سوی احزاب کمونیست و سفارت خانه‌های کشورهای سوسیالیستی در لندن، سخنرانی بی‌را در بزرگداشت آموزگار همیشه زنده جنبش کارگری جهان ادا کرد. به دنبال این سخنرانی نمایندگان احزاب کمونیست حاضر در مراسم و از جمله حزب کمونیست بریتانیا، حزب کمونیست کوبا، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست سودان، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست کاتالونیا با گذاشتن دسته گل هائی در پای مجسمه مارکس در مزار او، یاد بنیانگذار جنبش کمونیستی جهان را گرامی داشتند. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز ضمن ادای احترام به کارل مارکس دسته گل زیبایی از گل‌های سرخ را از سوی حزب طبقه کارگر ایران، استوارترین مدافع مارکسیسم در میهن مان بر مقبره مارکس گذاشت. مراسم با سرایش جمعی سرود انترناسیونال به پایان رسید.

در ادامه ترجمه متن سخنرانی رفیق رنه موهیکا کانتلار، سفیر کوبا در لندن، در مراسم بزرگداشت کارل مارکس را برای اطلاع خوانندگان نامه مردم ارائه درج می‌کنیم.

بار دیگر بر سر مزار کارل مارکس گرد هم آمده‌ایم تا با سپاس و تحسین و احترام از آن بزرگمرد اندیشه و عمل یاد کنیم که زندگی و کوشش خستگی‌ناپذیرش به تمامی در خدمت منافع زحمتکشان بود. اهمیت تعهد دربست مارکس به علم و به مبارزه در راه ایجاد دنیایی برخوردار از عدالت اجتماعی، آزادی بشر و صلح فراتر از مرزهای زمان و مکان می‌رود. اندیشه‌های او نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت تمام خلق‌هایی داشته است که از آن زمان تا کنون در راه وظیفه عالی دستیابی به رهایی سیاسی و اقتصادی‌شان، پایان دادن به استثمار انسان از انسان، اعتلای جامعه، و ایجاد آن دنیایی گام برداشته‌اند - اگرچه پراکنده اما پیوسته و استوار - که مارکس آرزویش را داشت.

جامعه بشری با بزرگترین چالش در تاریخ روبه‌روست
اندیشه‌های مارکس بیشترین تأثیر را بر آینده و آتیه بشر داشته و دارند، ارزش جهانی خود را به روشنی به ثبوت رسانده و می‌رسانند، و مرجعی بیانی برای ایجاد دگرگونی‌های انقلابی بر ضد نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها و برضد ورشکستگی اخلاقی نظم غالب امپریالیستی و ایدئولوژی آن محسوب می‌شوند. نظم امپریالیستی موجود، تمدن بشری و کره خاکی ما را به قعر خطرناک‌ترین پرتگاهی کشانده است که بشر تاکنون با آن روبه‌رو بوده است: عظیم‌ترین بحران اقتصادی در تاریخ و یک رشته بحران‌های جهانی دیگر

کمک های مالی رسیده

۱۰۰۰ کرون	جواد - از استکهلم
۱۰۰ کرون	اکبر - از سوئد
۲۰۰ کرون	سیامک - از کالمار
۲۰۰ کرون	زرانی - از سوئد
۵۰ دلار	به یاد حماسه وارطان از کانادا
۱۸۰ یورو	کمک مالی به مناسبت اول ماه مه، از هانووور

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

آدرس‌های پستی: آدرس‌های اینترنت و "ای-میل"

Nameh Mardom No. 816
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Monday 11 May 2009

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما
۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse